

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱۷

تاریخ تصویب مقاله: ۹۰/۱۲/۱۶

نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان (تیزهوش، آهسته‌گام و عادی)

دکتر مجید پاکدامن*، دکتر احمد خامسان** و فخرالسادات براتی***

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر طراحی شد تا رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری مادران و بلوغ اجتماعی نوجوانان تیزهوش، آهسته‌گام و عادی بررسی شود. روش: به این منظور ۱۹۴ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۴ و ۱۵ سال مدارس تیزهوشان (روش تصادفی ساده)؛ استثنایی (روش سرشماری) و دولتی (روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای) شهرستان قاینات (استان خراسان جنوبی) در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری بامریند و بلوغ اجتماعی راثو (RSMS) است. یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک اقتدارمنطقی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار برای بلوغ اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد. هم‌چنین تفاوت بین گروه‌های هوشی از لحاظ ابعاد بلوغ اجتماعی معنی‌دار است. بین گروه‌های تیزهوش و آهسته‌گام؛ عادی و آهسته‌گام در ابعاد بلوغ اجتماعی تفاوت مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ این تفاوت بین گروه تیزهوش و آهسته‌گام در بعد کفایت شخصی و اجتماعی و بین گروه عادی و آهسته‌گام در بعد کفایت میان‌فردی بیش‌تر است. بین گروه‌های تیزهوش و عادی در ابعاد بلوغ اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. نتیجه‌گیری: بهترین سبک فرزندپروری

Email: m.pakdaman87@yahoo.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات

** استادیار دانشگاه بیرجند

*** کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات

مادران برای رسیدن به بلوغ اجتماعی نوجوانان، سبک اقتدار منطقی می‌باشد. در رسیدن به بلوغ اجتماعی هوش نقش به‌سزایی دارد؛ افراد تیزهوش، آهسته‌گام و عادی در یک سن مشخص به بلوغ اجتماعی نمی‌رسند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، نوجوانان، بلوغ، بلوغ اجتماعی.

مقدمه

جریان زندگی همانند رودخانه‌ای است که از مبدا تا مقصد، از کنار سرزمین‌های مختلف و متنوعی می‌گذرد و سرانجام به دریا می‌پیوندد. در این مسیر، نوجوانی متنوع‌ترین و پیچیده‌ترین مرحله را به خود اختصاص داده است (شرفی، ۱۳۸۳: ۱۷). واژه‌ی نوجوانی به معنای " رشد کردن به سوی رسش " است. نوجوانی با تغییرات بیولوژیک آغاز می‌شود و نخستین علامت آن، بلوغ است (رضوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۳). بلوغ، تولدی دیگر است؛ رویدادی طبیعی و از مراحل اجتناب‌ناپذیر رشد انسان که در نوجوانی اتفاق می‌افتد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱). دوره نوجوانی از ۱۲ تا ۱۸ یا ۲۰ سالگی ادامه دارد و در دختر و پسر و افراد مختلف پایان آن فرق می‌کند (دبس^۱، ۱۳۸۲: ۹۱).

در دوران بلوغ، تغییرات زیادی در کودکان و هم‌چنین والدین آن‌ها (سبک زندگی، شیوه‌ی برخورد با کودک و ...) روی می‌دهد (فونتئل^۲، ۱۳۸۶: ۲۸). اکثر متخصصان پدیده‌ی بلوغ را منحصر به بلوغ فیزیکی (جنسی) ندانسته، بلکه آن را تلفیقی می‌دانند از سایر انواع بلوغ که احراز آن‌ها فرد را آماده‌ی ازدواج و زندگی اجتماعی می‌سازد که از جمله‌ی آن‌ها بلوغ اجتماعی می‌باشد.

^۱-Debssee

^۲- Fontanelle

بلوغ اجتماعی^۱ پایه و اساس زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد. منظور از بلوغ اجتماعی تاثیر متقابل فرد با دیگران و پذیرش نقش‌های اجتماعی است (نلسون^۲، ۲۰۰۵: ۹۴؛ به نقل از طاهری، ۱۳۸۹: ۹۹). بلوغ اجتماعی بدین معنی است که فرد بتواند با اتکاء به خود و بدون استمداد از دیگران، از عهده‌ی انجام کارهای خود در موقعیت‌ها و وضعیت‌های اجتماعی برآید. خانواده در شکل‌گیری بلوغ اجتماعی در دوره‌ی نوجوانی نقش مهمی دارد (احمدوند، ۱۳۸۲: ۲۱۷). روابط والدین و فرزندان، نظام و شبکه‌ی در هم پیچیده‌ای است که در اثر کنش متقابل شکل می‌گیرد و از طریق روش‌های تربیتی روی فرزندان تاثیر می‌گذارد (شریعتمدار، ۱۳۸۸: ۴۴). منظور از سبک‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند؛ نگرش‌هایی که نسبت به فرزندان خود دارند؛ معیارها و قوانینی که برای فرزندانشان وضع می‌کنند (نیکویی و طالعی، ۱۳۸۸: ۲).

بامریند^۳ شیوه‌های فرزندپروری را شامل سه شیوه‌ی تربیتی یعنی مستبدانه^۴، مقتدرانه^۵ و سهل‌گیرانه^۶ می‌داند. شیوه‌ی تربیتی مستبدانه، با سختگیری و انعطاف ناپذیری مشخص می‌شود. والدین مستبد، خواستار فرمانبرداری بی‌چون و چرا هستند. والدین مقتدر، بر خود مختاری فرزندان در محدوده‌ی مقررات خانواده تاکید دارند. والدین سهل‌گیر، در تربیت فرزندان از قوانین مشخص پیروی نمی‌کنند و کنترلی بر رفتار و کردار آن‌ها ندارند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۱).

هوش می‌تواند نقش به‌سزایی در رسیدن به انواع بلوغ ایفا کند. لذا رسیدن به مرحله‌ی بلوغ اجتماعی سن مشخصی ندارد و متأثر از عوامل تربیتی، خانوادگی و سطح هوشی افراد

^۱-Social Maturity

^۲-Nelson

^۳-Baumrind

^۴-Authoritative

^۵-Authoritarian

^۶-Permissive

است. انسان‌ها در سنین متفاوتی به انواع بلوغ می‌رسند. تعیین سن مشترک برای افرادی که هم‌زمان به انواع بلوغ برسند، کار دشواری است (شرفی، ۱۳۸۳: ۳۷).

بدون شک برای تعداد زیادی از والدین داشتن و پرورش فرزند، تجربه‌ای بالقوه لذت بخش است. اما مادران و پدران بسیاری هستند که با رسیدن فرزندانشان به دوران نوجوانی و بلوغ، کاخ آرزوها و امیدهای خود را سرنگون و تخریب شده می‌بینند. آنان اغلب نمی‌دانند در این دوره چگونه با فرزندانشان برخورد کنند و از چه شیوه‌ی تربیتی بهره بگیرند. از آن‌جا که هر گونه افراط و تفریط توسط والدین، عواقب ناخوشایندی برای فرزندان به دنبال دارد و با توجه به این‌که هدف غایی تربیت، خودگردانی و رسیدن به انواع بلوغ است؛ بنابراین فرزندپروری والدین تأثیرات شگرفی بر بلوغ اجتماعی نوجوانان یا به عبارتی رسیدن به بزرگسالی و مستقل شدن، دارد. در میان اعضای خانواده، مادر نخستین شخصی است که با کودک نه تنها در دوران جنینی بلکه تا پایان عمر رابطه‌ی مستقیم دارد. حضور مادر و شیوه‌های تربیتی او در رشد اجتماعی فرزندان تأثیر زیادی دارد. مادر گذرگاه کودک به زندگی اجتماعی است (احمدوند، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

با توجه به اهمیتی که خانواده و شیوه‌های فرزندپروری در بلوغ اجتماعی دارند؛ پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: رضایی (۱۳۷۴)، در پژوهشی نشان داد: بین شیوه‌ی فرزندپروری استبدادی مادران و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار وجود نداشت؛ بین شیوه‌ی فرزندپروری اقتدارمنطقی مادران و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌دار وجود داشت. گرامی (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داد: بیش‌تر مادران از شیوه‌ی فرزندپروری اقتدارمنطقی استفاده می‌کنند و تفاوتی بین شیوه‌ی فرزندپروری استفاده شده در مورد دختران و پسران وجود ندارد. نوذری (۱۳۷۴)، به بررسی و مقایسه‌ی بلوغ اجتماعی پسران نابینا و ناشنوای مدارس استثنایی شهر تهران پرداخت و یافته‌های او نشان داد: بین دانش‌آموزان دو گروه نابینا و ناشنوا تفاوت معناداری وجود دارد. لاریجانی و رازقی (۱۳۸۶)، دریافتند که: شیوه‌های آموزش نمایشی در سطح اطمینان ۹۹٪ موجب افزایش رشد اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر ۹-۱۱ ساله می‌شود.

مورفی^۱ و همکاران (۱۹۸۸)، رشد اجتماعی کودکان استثنایی را بررسی کردند و به این نتایج رسیدند: کودکان استثنایی از رشد اجتماعی بسیار کم‌تری نسبت به کودکان عادی برخوردارند (نقل از کجیاف و رستمی، ۱۳۸۷: ۸). گانتی و بوری^۲ (۲۰۰۸)، در بررسی اثر عملکرد والدین در رابطه با سه مؤلفه مهرورزی، اقتدار و کنترل و شکل‌گیری طرحواره‌های ناکارآمد بیان می‌کنند، که عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده‌ی معناداری برای برخی حیطه‌های طرحواره‌ها (قطع ارتباط-طرد و عملکرد-خودگردانی مختل) است. دکوویچ و جانس^۳ (۱۹۹۲)، در پژوهش خود بیان می‌دارند که: وضعیت اجتماعی فرزندان را می‌توان از طریق سبک‌های فرزندپروری آن‌ها پیش‌بینی کرد. گرولنیک و رایان^۴ (۱۹۸۹)، در پژوهشی نشان دادند که: سبک فرزندپروری اقتدارمنطقی با پیامدهای رفتاری مثبت هم‌چون خودتنظیمی، قابلیت اجتماعی بالا، سازگاری اجتماعی مثبت ارتباط داشته است. بامریند (۱۹۷۲)، در پژوهشی به این نتیجه رسید که: والدین با سبک اقتدارمنطقی در پرورش کودکانی که مهارت اجتماعی دارند، موفق‌اند. تا حدودی به این دلیل که بیش از والدین آزادگذار و استبدادی به شیوه‌های تربیت کودک خود اعتماد دارند (نقل از رضایی، ۱۳۷۵: ۶).

با توجه به اهمیتی که خانواده و سبک‌های فرزندپروری در بلوغ اجتماعی نوجوانان دارند، در ادبیات مربوطه، پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی سبک‌های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان در گروه‌های مختلف هوشی (تیزهوش، آهسته‌گام و عادی) بپردازد، به دست نیامد.

یافته‌های حاصل از این پژوهش برای والدین، روان‌شناسان، مشاوران و تمامی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کاربرد خواهد داشت و مهم‌ترین کمک پژوهش حاضر به والدین

^۱-Murphy

^۲-Gunty & Buri

^۳- Dekovic & Janssens

^۴- Grolnick & Ryan

برای برقراری ارتباط صحیح با فرزندان و انتخاب سبک‌های فرزندپروری مناسب در دوران نوجوانی می‌باشد. به طور خلاصه پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری و بلوغ اجتماعی در نوجوانان تیزهوش، آهسته‌گام و عادی طراحی شده است. فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- بین سبک‌های فرزندپروری مادران و بلوغ اجتماعی نوجوانان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ابعاد بلوغ اجتماعی نوجوانان (تیزهوش، آهسته‌گام و عادی) تفاوت وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و طرح پژوهش از نوع غیرآزمایشی (همبستگی و علی-مقایسه‌ای) می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۴ و ۱۵ سال مدارس تیزهوشان، استثنایی و دولتی شهرستان قاینات (استان خراسان جنوبی) در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد که از بین آن‌ها ۲۰ دانش‌آموز دختر و ۲۰ دانش‌آموز پسر در مدارس تیزهوشان به روش تصادفی ساده؛ ۱۶ دانش‌آموز دختر و ۱۸ دانش‌آموز پسر در مدارس استثنایی به روش سرشماری و ۵۵ دانش‌آموز دختر و ۶۵ دانش‌آموز پسر در مدارس دولتی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

جدول ۱: جامعه‌ی آماری و گروه نمونه به تفکیک جنسیت و گروه‌های هوشی

گروه	جنسیت	تعداد در جامعه	تعداد در نمونه
تیزهوش	دختر	۳۲	۲۰
	پسر	۲۳	۲۰
آهسته‌گام	دختر	۷۰	۱۶
	پسر	۸۵	۱۸
عادی	دختر	۴۹۹	۵۵
	پسر	۶۵۵	۶۵

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری بامریند و بلوغ اجتماعی راثواستفاده شده است.

پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری بامریند که دارای ۳۰ گویه است؛ مادران آزمودنی‌ها با مطالعه‌ی هرگویه نظر خود را بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) از صفر تا ۴ گزارش می‌دهند. که ده عبارت مربوط به مقیاس آزادگذاری (۱۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸)، ده عبارت مربوط به مقیاس استبدادی (۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹) و ده عبارت مربوط به مقیاس اقتدارمنطقی (۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰) می‌باشد؛ با جمع نمرات سوال‌های مربوط، ۳ نمره مجزا در مورد سبک‌های آزادگذاری، استبدادی و اقتدارمنطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید (بامریند، ۱۳۸۹).

بوری^۱ در سال ۱۹۹۱ پایایی پرسش‌نامه‌ی مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای سبک آزادگذاری، ۰/۸۶ برای سبک استبدادی و ۰/۷۸ برای سبک اقتدارمنطقی و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای سبک آزادگذاری، ۰/۸۵ برای سبک استبدادی و ۰/۸۸ برای سبک اقتدارمنطقی گزارش نمود (بوری، ۱۹۹۱؛ به نقل از فرضی‌گلفرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۵۳). علاوه بر این، اسفندیاری (۱۳۷۴) نیز پایایی آزمون را بر روی یک نمونه ۱۲ نفری از مادران به شیوه‌ی بازآزمایی و با فاصله زمانی یک هفته، به ترتیب برای سبک آزادگذاری (۰/۶۹)، سبک استبدادی (۰/۷۷) و سبک اقتدارمنطقی (۰/۷۳) گزارش نمود.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری، همبستگی هر سؤال با مجموع نمرات سؤالات مربوط به همان خرده مقیاس محاسبه شده و نتایج نشان داد که ضریب همبستگی در همه‌ی سؤالات به جز سؤال ۲۱ معنی‌دار است. هم چنین پایایی آزمون

^۱-Buri

که با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است؛ در مقیاس آزادگذاری با حذف سؤال ۲۱ (۰/۶۷) و در مقیاس استبدادی (۰/۸۱) و در مقیاس اقتدار منطقی (۰/۸۵) می‌باشد.

پرسش‌نامه بلوغ اجتماعی راثو (RSMS) دارای نود سؤال است که توسط نالینی راثو نهایی شد. سه بعد بلوغ اجتماعی و صفات آن را می‌سنجد. بعد کفایت شخصی شامل جهت‌گیری شغلی، خودرهبی و توانایی تحمل فشار روانی؛ بعد کفایت میان فردی شامل ارتباط، اعتماد معقول و همکاری؛ بعد کفایت اجتماعی شامل تعهد اجتماعی، تحمل اجتماعی و آمادگی برای تغییر می‌باشد. از نود سؤال پرسش‌نامه‌ی فرم نهایی، ۲۳ سؤال به صورت مثبت و ۶۷ سؤال به صورت منفی بیان شده است. در سؤال‌های مثبت برای کاملاً موافق ۴، موافق ۳، مخالف ۲ و کاملاً مخالف ۱ داده می‌شود. با جمع نمرات مربوط به هر یک از مقیاس‌های فرعی؛ نمره‌ی کفایت شخصی، کفایت میان فردی و کفایت اجتماعی حاصل می‌شود. نمره‌ی کل بلوغ اجتماعی آزمودنی با جمع نمودن نمرات کفایت شخصی، میان فردی و اجتماعی به دست می‌آید (راثو، ۱۳۸۹).

نادری و شکوهی (۱۳۸۸) در پژوهشی اعتبار این پرسش‌نامه را از طریق همبسته نمودن آن با پرسش‌نامه بلوغ عاطفی محاسبه و ضریب ۰/۶۰ در سطح معنی‌داری ($P < ۰/۰۰۱$) را به دست آوردند. در این پژوهش پایایی مقیاس بلوغ اجتماعی راثو به دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه و به ترتیب ضرایب ۰/۲۱ و ۰/۳۰ به دست آمد. در کل نتایج به دست آمده از مطالعات خارجی و داخلی، اعتبار وروایی پرسش‌نامه‌ی بلوغ اجتماعی را مورد تأیید قرار می‌دهد (نقل از کرمی، ۱۳۸۹).

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی سؤالات پرسش‌نامه‌ی بلوغ اجتماعی راثو همبستگی هر سؤال با مجموع نمرات سؤالات مربوط به همان خرده مقیاس، صفات خرده مقیاس هم‌چنین با نمرات کل مقیاس بلوغ اجتماعی محاسبه شده و نتایج نشان داد که ضریب همبستگی در هماهنگی درونی گویه‌ها در همه‌ی سؤالات معنی‌دار است. به جز سؤالات ۷۹-۵۸-۴۰-۳۴-۱-۴ در خرده مقیاس کفایت شخصی، سؤالات ۶۲-۵۹-۵۰-۴۱-۱۴ در خرده مقیاس کفایت

میان فردی و سؤالات ۶۶-۵۱-۲۱-۱۲ در خرده مقیاس کفایت اجتماعی که معنی‌دار نیست. هم چنین پایایی آزمون بعد از حذف سؤالات با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در خرده مقیاس کفایت شخصی (۰/۷۱)؛ در خرده مقیاس کفایت میان فردی (۰/۶۹)؛ در خرده مقیاس کفایت اجتماعی (۰/۷۴) و برای مقیاس کل بلوغ اجتماعی (۰/۸۶) است.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر انجام شد.

(۱) بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با ابعاد بلوغ اجتماعی

جدول ۲: همبستگی‌های مرتبه صفر بین ابعاد بلوغ اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری مادران

کفایت اجتماعی	کفایت میان فردی	کفایت شخصی	ابعاد بلوغ اجتماعی سبک‌های فرزندپروری
-۰/۱۷۴*	-۰/۱۴۰	-۰/۰۷۸	آزاد گذاری
-۰/۱۷۷*	-۰/۱۹۴**	-۰/۱۹۳**	استبدادی
۰/۳۰۶**	۰/۳۸۵**	۰/۲۹۲**	اقتدار منطقی
* $p < 0/05$ ** $p < 0/01$			

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد: (۱) بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با ابعاد کفایت شخصی، کفایت میان فردی و کفایت اجتماعی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. (۲) بین سبک فرزندپروری استبدادی با ابعاد کفایت شخصی، کفایت میان فردی، کفایت اجتماعی و هم‌چنین بین سبک فرزندپروری آزادگذاری با بعد کفایت اجتماعی همبستگی منفی و معنی‌دار وجود دارد. (۳) بین سبک فرزندپروری آزادگذاری و ابعاد کفایت شخصی و کفایت میان فردی همبستگی معنی‌دار وجود ندارد.

جدول ۳: نتایج کلی تحلیل رگرسیون بلوغ اجتماعی و ابعاد آن بر روی سبک‌های فرزندپروری

شاخص‌های آماری	ضریب رگرسیونی (R)	مجذور ضریب همبستگی چندگانه (R^2)	مجذور R تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	آماره‌ی دوربین - واتسون
کفایت شخصی	۰/۲۹۲	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۹۵۸	۱/۹۴۲
کفایت میان فردی	۰/۳۸۵	۰/۱۴۸	۰/۱۴۴	۰/۹۲۵	۲/۱۱۱
کفایت اجتماعی	۰/۳۰۶	۰/۹۴	۰/۸۹	۰/۹۵۴	۱/۹۹
بلوغ اجتماعی	۰/۳۸۳	۰/۱۴۷	۰/۱۴۲	۰/۹۲۶	۲/۰۱۷

نتایج حاصل از جدول ۳ بیانگر این است که ۸۵ درصد تغییرات کفایت شخصی؛ ۱۴/۸ درصد تغییرات کفایت میان فردی؛ ۹۴ درصد تغییرات کفایت اجتماعی و ۱۴/۷ درصد تغییرات بلوغ اجتماعی از روی ترکیب خطی سبک‌های فرزندپروری تبیین می‌شود. هم چنین بین نمره‌های خطا همبستگی معنی‌دار وجود ندارد. جدول‌های زیر حاوی ضرایب رگرسیون بین متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و بلوغ اجتماعی و ابعاد آن است.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون بعد کفایت شخصی بر روی سبک‌های فرزندپروری

مدل	شاخص‌های آماری	ضرایب استاندارد نشده		نسبت f	سطح معنی‌داری
		B	خطای معیار		
۱	مقدار ثابت	۵/۸۵۵	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	۱
	اقتدار منطقی	۰/۲۹۲	۰/۰۶۹	۴/۲۳	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از جدول ۴ بیانگر این است که ۰/۲۹۲ افزایش در سبک اقتدار منطقی باعث یک واحد افزایش در بعد کفایت شخصی می‌شود. هم چنین سبک‌های استبدادی و آزادگداری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی بعد کفایت شخصی ندارند. بر این اساس سبک فرزندپروری اقتدار منطقی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار برای بعد کفایت شخصی است.

جدول ۵: ضرایب رگرسیون بعد کفایت میان‌فردی بر روی سبک‌های فرزندپروری

سطح معنی‌داری	نسبت t	ضرایب استاندارد شده Beta	ضرایب استاندارد نشده		شاخص‌های آماری سبک‌های فرزندپروری	مدل
			خطای معیار	B		
۱	۰/۰۰۰	---	۰/۰۶۶	۹/۵۴۲	مقدار ثابت	۱
۰/۰۰۰	۵/۷۸۴	۰/۳۸۵	۰/۰۶۷	۰/۳۸۵	اقتدار منطقی	

نتایج حاصل از جدول ۵ بیانگر این است که ۰/۳۸۵ افزایش در سبک اقتدار منطقی باعث یک واحد افزایش در بعد کفایت میان فردی می‌شود. هم‌چنین سبک‌های استبدادی و آزادگذاری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی بعد کفایت میان‌فردی ندارند. بر این اساس سبک فرزندپروری اقتدار منطقی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار برای بعد کفایت میان‌فردی است.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون بعد کفایت اجتماعی بر روی سبک‌های فرزندپروری

سطح معنی‌داری	نسبت t	ضرایب استاندارد شده Beta	ضرایب استاندارد نشده		شاخص‌های آماری سبک‌های فرزندپروری	مدل
			خطای معیار	B		
۱	۰/۰۰۰	---	۰/۰۶۹	۳/۰۶۳	مقدار ثابت	۱
۰/۰۰۰	۴/۴۶۱	۰/۳۰۶	۰/۰۶۹	۰/۳۰۶	اقتدار منطقی	

نتایج حاصل از جدول ۶ بیانگر این است که ۰/۳۰۶ افزایش در سبک اقتدار منطقی باعث یک واحد افزایش در بعد کفایت شخصی می‌شود. هم‌چنین سبک‌های استبدادی و آزادگذاری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی بعد کفایت اجتماعی ندارند. بر این اساس سبک فرزندپروری اقتدار منطقی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار برای بعد کفایت میان‌فردی است.

جدول ۷: ضرایب رگرسیون مقیاس بلوغ اجتماعی بر روی سبک‌های فرزندپروری

سطح معنی‌داری	نسبت t	ضرایب استاندارد شده Beta	ضرایب استاندارد نشده		شاخص‌های آماری سبک‌های فرزندپروری	مدل
			خطای معیار	B		
۱	۰/۰۰۰	---	۰/۰۶۶	۱/۶۸۳	مقدار ثابت	۱
۰/۰۰۰	۵/۷۴۴	۰/۳۸۳	۰/۰۶۷	۰/۳۸۳	اقتدار منطقی	

نتایج حاصل از جدول ۷ بیانگر این است که ۰/۳۸۳ افزایش در سبک اقتدار منطقی باعث یک واحد افزایش در مقیاس بلوغ اجتماعی می‌شود. همچنین سبک‌های استبدادی و آزادگذاری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی مقیاس بلوغ اجتماعی ندارند. بر این اساس سبک فرزندپروری اقتدار منطقی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار برای مقیاس بلوغ اجتماعی است.

۲) مقایسه ابعاد بلوغ اجتماعی با توجه به گروه‌های هوشی
برای مقایسه‌ی ابعاد بلوغ اجتماعی در سه گروه تیزهوش، آهسته‌گام و عادی از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است. در این تحلیل، متغیر مستقل گروه‌های مختلف هوشی و متغیر وابسته ابعاد بلوغ اجتماعی است.

جدول ۸: میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های بلوغ اجتماعی به تفکیک گروه‌های هوشی

عادی	آهسته گام	تیز هوش	گروه‌های هوشی مقیاس
$\bar{X} = 2/69$ $S = 0/022$ $N = 120$	$\bar{X} = 2/45$ $S = 0/032$ $N = 34$	$\bar{X} = 2/73$ $S = 0/042$ $N = 40$	بلوغ اجتماعی

در جدول ۸ میانگین و انحراف معیار مقیاس بلوغ اجتماعی به تفکیک گروه‌های هوشی ارائه شده است؛ نتایج نشان می‌دهد که میانگین بلوغ اجتماعی در گروه تیز هوش بیش‌تر از سایر گروه‌های هوشی است.

جدول ۹: نتایج آزمون‌های چند متغیره مقایسه‌ی گروه‌های هوشی در ابعاد بلوغ اجتماعی

توان	مجذوراتای تفکیکی	سطح معنی‌داری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضی	نسبت F	مقدار	شاخص‌های آماری اثر
۰/۹۹۸	۰/۰۸۶	۰/۰۰۰	۳۸۰/۰۰۰	۶/۰۰۰	۵/۹۳۳	۰/۷۱	پیلایی
۰/۹۹۸	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	۳۷۸/۰۰۰	۶/۰۰۰	۶/۰۴۳	۰/۳۳	لامبدا و پلکس
۰/۹۹۹	۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	۳۷۶/۰۰۰	۶/۰۰۰	۶/۱۵۲	۰/۹۶	تریس هوتلینگ
۰/۹۹۹	۰/۱۴۴	۰/۰۰۰	۱۹۰/۰۰۰	۳/۰۰۰	۱۰/۶۶۶	۰/۶۸	ریشه روی لارجست

نتایج حاصل از جدول ۹ بیانگر این است که تفاوت بین گروه‌های هوشی در ابعاد بلوغ اجتماعی معنی‌دار است. مجذوراتای تفکیکی می‌تواند در بازه‌ی صفر تا +۱ قرار بگیرد. در بررسی نتایج آزمون‌ها این مقدار از صفر بیش‌تر و به یک نزدیک‌تر است که نشان از اثر گروه‌های هوشی بر ابعاد بلوغ اجتماعی است. در این تحلیل توان آزمون نزدیک به عدد یک می‌باشد که نشان از توان بالای آزمون‌های چند متغیره دارد. بررسی دقیق‌تر اثرات گروه‌های هوشی بر ابعاد بلوغ اجتماعی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱۰: آزمون‌های اثرات بین گروهی مقایسه‌ی گروه‌های هوشی در ابعاد بلوغ اجتماعی

منبع تغییرات	شاخص‌های آماری		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری	مجذور اتای تفکیکی	توان
	ابعاد بلوغ اجتماعی	کفایت‌های آماری							
بین گروه‌های هوشی	کفایت شخصی	۲۴/۰۲۸	۲	۱۲/۰۱۴	۱۳/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۱۲۴	۰/۹۹۸	
	کفایت میان‌فردی	۱۷/۸۶۹	۲	۸/۹۳۵	۹/۷۴	۰/۰۰۰	۰/۰۹۳	۰/۹۸۱	
	کفایت اجتماعی	۱۸/۶۳۵	۲	۹/۳۱۸	۱۰/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۹۷	۰/۹۸۶	
خطا	کفایت شخصی	۱۶۸/۹۷۲	۱۹۱						
	کفایت میان‌فردی	۱۷۵/۱۳۱	۱۹۱						
	کفایت اجتماعی	۱۷۴/۳۶۵	۱۹۱						
مجموع	کفایت شخصی	۱۹۳/۰۰۰	۱۹۳						
	کفایت میان‌فردی	۱۹۳/۰۰۰	۱۹۳						
	کفایت اجتماعی	۱۹۳/۰۰۰	۱۹۳						

نتایج حاصل از جدول ۱۰ نشان می‌دهد که براساس تصحیح بن فزونی ($۰/۰۱۷ = ۳ \div$) تفاوت بین گروه‌های هوشی از لحاظ ابعاد کفایت شخصی، میان فردی و اجتماعی معنی‌دار است. توان آزمون در همه‌ی ابعاد بلوغ اجتماعی بالا است و حاکی از تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های هوشی و ابعاد بلوغ اجتماعی دارد. براساس مجذوراتای تفکیکی ۱۲/۴ درصد تغییرات در بعد کفایت شخصی و ۹/۳ درصد تغییرات در بعد کفایت میان فردی و ۹/۷ درصد تغییرات در بعد کفایت اجتماعی ناشی از تفاوت بین گروه‌های هوشی و مابقی تغییرات ناشی از سایر عوامل است. در جدول ۱۱ تفاوت ابعاد بلوغ اجتماعی بین گروه‌های مختلف هوشی نشان داده شده است.

جدول ۱۱: نتایج آزمون مقایسه های چند گانه (توکی HSD) برای ابعاد بلوغ اجتماعی با توجه به

گروه های هوشی

ابعاد بلوغ اجتماعی	سطح اول هوشی	سطح دوم هوشی	تفاوت میانگین	خطای معیار میانگین
کفایت شخصی	تیز هوش	آهسته گام	۱/۱۱۳ [*]	۰/۲۱۹
	تیز هوش	عادی	۰/۳۴۸	۰/۱۷۱
	عادی	آهسته گام	۰/۷۶۵ [*]	۰/۱۸۲
کفایت میان فردی	تیز هوش	آهسته گام	۰/۷۵۳ [*]	۰/۲۲۳
	تیز هوش	عادی	-۰/۰۵۷	۰/۱۷۴
	عادی	آهسته گام	۰/۸۱۰ [*]	۱/۱۸۶
کفایت اجتماعی	تیز هوش	آهسته گام	۰/۹۰۵ [*]	۰/۲۲۲
	تیز هوش	عادی	۰/۱۳۶	۰/۱۷۴
	عادی	آهسته گام	۰/۷۶۸ [*]	۰/۱۸۵

نتایج حاصل از جدول ۱۱ بر اساس آزمون توکی نشان می دهد که: بین گروه های تیزهوش و آهسته گام؛ عادی و آهسته گام در بعد کفایت شخصی تفاوت مثبت و معنی دار وجود دارد. این تفاوت بین گروه تیزهوش و آهسته گام بیش تر است. بین گروه های تیزهوش و آهسته گام؛ عادی و آهسته گام در بعد کفایت میان فردی تفاوت مثبت و معنی دار وجود دارد. این تفاوت بین گروه عادی و آهسته گام بیش تر است. بین گروه های تیزهوش و آهسته گام؛ عادی و آهسته گام در بعد کفایت اجتماعی تفاوت مثبت و معنی دار وجود دارد. این تفاوت بین گروه تیزهوش و آهسته گام بیش تر است. بین گروه های تیزهوش و عادی در ابعاد کفایت شخصی، میان فردی و اجتماعی تفاوت معنی دار وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد: (۱) بین سبک اقتدار منطقی و ابعاد بلوغ اجتماعی همبستگی مثبت و معنی دار ($P < ۰/۰۱$) وجود دارد. (۲) بین سبک استبدادی با ابعاد کفایت شخصی، کفایت میان فردی ($P < ۰/۰۱$) و کفایت اجتماعی ($P < ۰/۰۵$) همبستگی منفی و معنی دار وجود دارد. (۳) بین سبک آزادگذاری با بعد کفایت اجتماعی همبستگی منفی و معنی دار ($P < ۰/۰۵$) وجود دارد.

۴) بین سبک آزادگذاری با بعد کفایت شخصی و کفایت میان فردی همبستگی معنی‌دار وجود ندارد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد: بین سبک‌های فرزندپروری و بلوغ اجتماعی و ابعاد آن رابطه وجود دارد. سبک اقتدارمنطقی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار برای بلوغ اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد. سبک‌های استبدادی و آزادگذاری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی بلوغ اجتماعی و ابعاد آن ندارند. هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد: تفاوت بین گروه‌های هوشی از لحاظ ابعاد کفایت شخصی، میان فردی و اجتماعی معنی‌دار است ($p < 0/017$). بین گروه‌های تیزهوش و آهسته‌گام؛ عادی و آهسته‌گام در بعد کفایت شخصی تفاوت مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این تفاوت بین گروه تیزهوش و آهسته‌گام بیشتر است. بین گروه‌های تیزهوش و آهسته‌گام؛ عادی و آهسته‌گام در بعد کفایت میان فردی تفاوت مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این تفاوت بین گروه عادی و آهسته‌گام بیشتر است. بین گروه‌های تیزهوش و آهسته‌گام؛ عادی و آهسته‌گام در بعد کفایت اجتماعی تفاوت مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این تفاوت بین گروه تیزهوش و آهسته‌گام بیشتر است. بین گروه‌های تیزهوش و عادی در ابعاد کفایت شخصی، میان فردی و اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های رضایی (۱۳۷۴)، گرامی (۱۳۸۷)، نوذری (۱۳۷۴)، لاریجانی و رازقی (۱۳۸۶)، مورفی و همکاران (۱۹۸۸)، گانتی و بوری (۲۰۰۸)، دکوییچ و جانس (۱۹۹۲)، گروولنیک و رایان (۱۹۸۹)، بامریند (۱۹۷۲) همسو می‌باشد. مجموعه‌ی این یافته‌ها همراه با نتایج پژوهش حاضر در زمینه‌ی رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری مادران و بلوغ اجتماعی نوجوانان، بر این دلالت دارد: نوجوانانی که به بلوغ اجتماعی رسیده‌اند؛ مادران آن‌ها بیش‌تر از سبک اقتدارمنطقی بهره گرفته‌اند.

خانواده هم‌چون یک جامعه‌ی کوچکی است که هدفش رشد و تکامل اجتماعی کودکان است. نخستین فردی که در خانواده وابستگی مستقیم با کودک دارد، مادر است. شیوه‌هایی که مادران در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در رسیدن به بلوغ اجتماعی دارند.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر بهترین سبک فرزندپروری مادران برای رسیدن به بلوغ اجتماعی نوجوانان، سبک اقتدارمنطقی می‌باشد که مادران در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل‌کننده و مقتدر هستند. این سبک به فرزندان کمک می‌کند تا با هنجارهای اجتماعی بهتر سازگار شوند و توانایی زندگی مستقل را پیدا کنند و آماده‌ی پذیرفتن مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی شوند. هوش نیز می‌تواند تا حدودی موفقیت‌های فردی و اجتماعی را پیش‌بینی کند. بنابراین در رسیدن به بلوغ اجتماعی، هوش نقش به‌سزایی دارد؛ افراد تیزهوش، آهسته‌گام و عادی در یک سن مشخص به بلوغ اجتماعی نمی‌رسند.

منابع

- ۱- احمدوند، محمدعلی. (۱۳۸۲). *بهداشت روانی*. تهران: انتشارات پیام‌نور.
- ۲- اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۳). *بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روان پزشکی، تهران.
- ۳- اسعدی، سیدمحمد؛ ذکایی، نیره و همکاران. (۱۳۸۵). *رابطه پس‌زمینه اجتماعی- فرهنگی با شیوه‌ی تربیتی والدین، موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان*. فصلنامه روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی و بهداشت روان. شماره ۱. ص ۲۱.
- ۴- بامریند، دیانا. (۱۳۸۹). *پرسش‌نامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری*. (ترجمه: ابوالفضل کرمی). تهران: مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری - شناختی سینا (روان تجهیز).
- ۵- دبس، موریس. (۱۳۸۲). *مراحل تربیت*. (ترجمه: علی محمد کاردان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- راثو، نالینی. (۱۳۸۹). *مقیاس بلوغ اجتماعی (RSMS)*. (ترجمه: ابوالفضل کرمی). تهران: مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری - شناختی سینا (روان تجهیز).

- ۷- رضایی، محمد. (۱۳۷۵). بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم مدارس راهنمایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران در سال تحصیلی ۷۵-۷۴. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- ۸- رضوی، اقدس‌السادات؛ اسماعیلی، معصومه؛ فرخی، نورعلی. (۱۳۸۸). مقایسه و تحلیل محتوای "منزلت‌های هویتی من" بین دختران ۲۲-۱۸ ساله و مادران آن‌ها. فصل‌نامه پژوهش اجتماعی. شماره ۵. صص ۲۱۰-۲۰۳.
- ۹- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). دنیای نوجوان. تهران: انتشارات پیک ایران.
- ۱۰- شریعتمدار، آسیه. (۱۳۸۸). شیوه‌های فرزندپروری. فصل‌نامه مشاور مدرسه. شماره ۲. صص ۴۴.
- ۱۱- طاهری، محمد؛ پورمحمدرضای تجریشی، معصومه و همکاران. (۱۳۸۹). رابطه سبک دلبستگی مادران و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز. فصل‌نامه حکیم. شماره ۲. صص ۹۹-۱۰۷.
- ۱۲- فرضی گلفرانی، مرجان؛ محمد اسماعیل، الهه؛ رثوفیان مقدم، فاطمه؛ عسگری مقدم، هاجر. (۱۳۸۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران دارای کودکان اختلال‌های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی با مادران کودکان عادی. مجله‌ی پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. شماره ۳ و ۴. صص ۲۶۴-۲۴۵.
- ۱۳- فونتیل، دن. (۱۳۸۶). کلیدهای رفتار با نوجوانان. (ترجمه: مسعود حاجی‌زاده و اکرم قیطاس). تهران: انتشارات صابرین.
- ۱۴- کجیاف، محمدباقر؛ رستمی، مهری. (۱۳۸۷). مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه بینا در مدارس تلفیقی و استثنایی. مجله تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ۷۸. صص ۱۵-۸.
- ۱۵- گرامی، مرضیه. (۱۳۸۷). نقش شیوه‌های فرزندپروری در خود پنداره و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان در شهرستان جاسک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- ۱۶- لاریجانی، زرین سادات؛ رازقی، نرگس. (۱۳۸۶). بررسی کاربرد هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی دانش آموزان کم توان ذهنی. نشریه ی پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. شماره ۱. صص ۴۳-۵۲.
- ۱۷- محمدزاده، افسانه؛ امیرجنتی، ناصر. (۱۳۸۲). آشنایی با بلوغ. نشریه بهداشت باروری. شماره ۱. ص ۱۱.
- ۱۸- نوذری، قاسم. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه بلوغ اجتماعی پسران نابینا و ناشنوای پایه پنجم ابتدایی مدارس استثنایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۱۹- نیکویی، موسی؛ طالعی، علی. (۱۳۸۸). والدین و شیوه های فرزندپروری. (۱۳۹۰/۴/۱۲). بازیابی از سایت <http://www.javanemrooz.com>.

- 20-Decovic, M. & Janssens, J. (1992). Parents rearing style and child's sociomenric status, developmental psychology, 28, 925-932.
- 21-Grolnick, W.S. & Ryan, R. M. (1989). Parent styles associated with children's self-regulation and competent in school, Journal of educational psychology, 81, 143-154.
- 22-Gunty,A.L. & Buri, J.R. (2008). Parental practices and the development of maladaptive schemas online submission, paper presented at the annual meeting of the mid western psychological association, Chicago, 44,1-33.